

مهم ترین سوالات فلسفه (۲) / چاپ ۹۹ / تنظیم: نبوی

درس دوم: جهان ممکنات

دانش آموزان عزیز توجه داشته باشید این سوالات صرفاً جهت آشنایی شما طراحی شده است لطفاً این مجموعه را در کنار کتاب درسی استفاده کنید.

** درس در یک نگاه **

مفاهیم	توضیحات
رابطه میان موضوع و محمول قضایا	ضروری: محمول قضایا برای موضوعشان حتمی و ضروری است. امکانی: محمول قضایا برای موضوعشان ضروری نیست بلکه ممکن است و هم می‌توانند این محمول را بپذیرند و هم نپذیرند. امتناعی: برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است.
واجب الوجود بالغیر	موجوداتی که در ماهیت و ذات خود ممکن الوجود هستند اما با بودن علت، «وجود» برایشان ضروری می‌شود و واجب الوجود می‌گردند و موجود می‌شوند، اما به واسطه علت‌هایی که خارج از ماهیت آنها قرار دارند.
واجب الوجود بالذات	همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خودش است نه به واسطه یک امر بیرونی.
رابطه ماهیت «انسان» با «وجود»	رابطه ماهیت «انسان» با «وجود» یک رابطه امکانی است، یعنی انسان می‌تواند باشد و می‌تواند نباشد. ذات وی به گونه‌ای نیست که حتماً باشد و همچنین ذات وی به گونه‌ای نیست که حتماً نباشد.
تبیین ممکن الوجود بودن اشیاء	فارابی و ابن سینا گفته‌اند که اگرچه اشیاء در ماهیت و ذات خود ممکن الوجود هستند و با «وجود» رابطه امکانی دارند، اما همین رابطه امکانی به آنها اجازه می‌دهد که اگر علت وجود آنها فراهم شود، آنها نیز با به اقلیم وجود بگذارند و موجود شوند. مثلاً با بودن علت، «وجود» برای انسان ضروری می‌شود و انسان واجب الوجود می‌گردد و موجود می‌شود؛ یعنی در حال حاضر، همه اشیاء شیبایی که موجودند «واجب الوجود» هستند، اما به واسطه علت‌هایی که خارج از ماهیت آنها قرار دارند. به عبارت دیگر: اینها «واجب الوجود بالغیر» هستند.
واجب	موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه حتمی دارد.
ممکن	موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه احتمالی دارد.
ممتنع	موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه محال دارد.

- به چند مورد از مسائل فیلسوفان که از قدیم تا کنون همچنان ثابت مانده است و درباره آنها بحث می‌کنند و کتاب می‌نویسند اشاره کنید. جهان منتهای است یا نامتناهی؟ این جهان همواره بوده است یا آغازی مانند «مه بانگ» دارد؟ هستی منحصر به طبیعت است یا عوامل دیگری هم وجود دارد؟
- در پاسخ به کدام سوال فلسفی، دیدگاه‌های فیلسوفان درباره امکان و ضرورت این جهان مقایسه می‌گردد؟ آیا موجودات این جهان، چه منتهای و چه نامتناهی، می‌توانسته‌اند نباشند؟
- برای هر یک از مفاهیم سه گانه «ضرورت»، «امکان» و «امتناع» یک مثال طراحی کنید.

ضرورت	امکان	امتناع
عدد چهار زوج است.	دیوار خانه ما سفید است.	عدد هشت فرد است.

- الف) آیا ممکن است عدد ۴ زوج نباشد؟ ب) ممکن است دیوار سفید نباشد؟ چرا؟ الف) خیر زیرا عدد چهار اگر زوج نباشد، عدد چهار نیست. ب) بله. یعنی، با اینکه دیوار خانه ما فعلاً سفید است، اما می‌تواند سفید نباشد.
- محمول قضایای «عدد چهار زوج است»، «دیوار خانه ما سفید است» و «عدد هشت فرد است» چه فرقی با هم دارند؟ محمول قضیه اول برای موضوع خود «ضروری» و واجب است اما محمول قضیه دوم برای موضوع خود ضروری نیست بلکه «ممکن» است؛ یعنی، هم می‌تواند این محمول را بپذیرد و هم نپذیرد. اما در قضیه سوم، برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است که عدد هشت فرد باشد.
- در سه قضیه هندسی زیر، رابطه کدام موضوع با محمول خود واجب، کدام ممکن و کدام ممتنع است؟
 ۱) مجموع دو ضلع مثلث، بزرگ تر از ضلع سوم است. ⇨ این رابطه، ضروری و واجب است.
 ۲) ارتفاع و میانه در مثلث یکی است. ⇨ این رابطه، ممکن است و برای هر مثلثی ضروری نیست.

۳ مجموع زوایای مثلث برابر با سه قائمه است. ⇨ این رابطه، ممتنع است.

۷. میان موضوع و محمول قضایا چند گونه رابطه می تواند برقرار باشد؟ سه رابطه: وجوبی- امکانی- امتناعی
۸. وقتی می گوییم «زمین ه است»، «از سان ه است» و «خدا ه است» رابطه «هستی» بازمین، از سان و خدا چه رابطه ای است؟ («وجود»، به عنوان یک محمول، با این موضوعات چگونه نسبتی دارد؟) زمین هست و انسان هست ⇨ امکانی / خدا هست ⇨ ضروری
۹. رابطه ضروری، امکانی و امتناعی را با مثال تعریف کنید. ضروری: محمول قضایا برای موضوع شان حتمی و ضروری است. مانند: عدد ۴ زوج است. / امکانی: محمول قضایا برای موضوع شان ضروری نیست بلکه ممکن است و هم می توانند این محمول را بپذیرند و هم نپذیرند. مانند: دیوار خانه ما سفید است. / امتناعی: برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است. مانند: عدد هشت فرد است.
۱۰. اگر بخواهیم وجود را محمول موضوعات زیر قرار دهیم، رابطه میان وجود با این موضوعات، از نوع «ضرورت» خواهد بود یا «امکان» یا «امتناع»؟

خاک	مهربانی	سوختن	سیاه و سفید	دیو	خدا	شریک خدا	فرشتگان	دریایی از جیوه	روح	پرنده	انرژی	الکتریسیته
امکان	امکان	امکان	امتناع	امکان	ضرورت	امتناع	امکان	امکان	امکان	امکان	امکان	امکان

۱۱. چرا با اینکه رابطه ماهیات با وجود یک رابطه امکانی است، اما این اشیاء موجود شده اند؟ فارابی و ابن سینا به این پرسش پاسخ داده و گفته اند که اگرچه این قبیل موجودات در ماهیت و ذات خود ممکن الوجود هستند، اما همین رابطه امکانی به آنها اجازه می دهد که اگر علت وجود آنها فراهم شود، آنها نیز پا به اقلیم وجود بگذارند و موجود شوند.
۱۲. وقتی می گوییم رابطه ماهیت «انسان» با «وجود» یک رابطه امکانی است، منظور چیست؟ منظور این است که انسان می تواند باشد و می تواند نباشد. ذات وی به گونه ای نیست که حتما باشد و همچنین ذات وی به گونه ای نیست که حتما نباشد
۱۳. چه وقت «وجود» برای انسان ضروری می شود؟ (چه وقت انسان واجب الوجود می شود؟) یا بودن علت، «وجود» برای انسان ضروری می شود و انسان واجب الوجود می گردد و موجود می شود
۱۴. واجب الوجود بالغیر یعنی چه؟ مثال بزنید. موجوداتی که در ماهیت و ذات خود ممکن الوجود هستند اما با بودن علت، «وجود» برایشان ضروری می شود و واجب الوجود می گردند و موجود می شوند، همه اشیا یی که در حال حاضر موجودند، «واجب الوجود» هستند، اما به واسطه علت هایی که خارج از ماهیت آنها قرار دارند
۱۵. آیا می توان اموری را پیدا کرد که رابطه ذاتی آنها با «وجود» رابطه امتناعی بوده، اما علتی برای آنها پیدا شود و اکنون موجود باشند؟ خیر. زیرا اگر چیزی به نحو ذاتی از چیزی منفک باشد و نتواند با آن جمع شود و در عین حال بخواهد با آن جمع شود، اجتماع نقیضین پیش خواهد آمد که امری محال است.
۱۶. اگر حقیقتی رابطه اش با «وجود» ضروری باشد، آیا می شود که چنین حقیقتی تاکنون به وجود نیامده باشد؟ خیر. زیرا اگر رابطه وجود با چیزی ضروری باشد و نتوان وجود را از آن منفک کرد، بدین معناست آن چیز همواره موجود است و در هیچ برهه ای از زمان، وجود از او جدا نمی شود. مفاهیم دو ردیف زیر را که به هم مرتبط هستند، مشخص کنید و با آنها قضیه موجهه یا سالبه بسازید. سپس، رابطه میان موضوع و محمول را از حیث وجوب، امکان و امتناع مشخص کنید.
- مثلث، جهان، مربع، پیراهن حسن، عدد سه
چهار ضلع، نابود، سه ضلع، آبی، زوج
- مثلث سه ضلع دارد (وجوب) / جهان نابود می شود (متنع) / مربع چهار ضلع دارد (وجوب). / پیراهن حسن آبی است (امکانی). / عدد سه زوج است (امتناع).
۱۷. آیا موجودات عالم را می توان به واجب و ممکن تقسیم کرد؟ اگر تقسیم به واجب و ممکن مناسب نیست، کدام تقسیم مناسب است؟ می دانیم هر موجودی، وجود برایش ضروری است و آلا موجود نبود، حال یا ضرورت بالذات یا ضرورت بالغیر. اما اگر نگاه به ذات و ماهیت موجود کنیم، موجودات عالم را می توان به دو دسته ممکن بالذات و واجب بالذات تقسیم کنیم. البته این ممکن بالذات، چون اکنون موجود است، واجب بالغیر شده است. پس موجودات عالم را از آن جهت که موجودند، به دو دسته واجب الوجود بالذات و واجب الوجود بالغیر تقسیم می کنیم. اما همین موجودات را از نظر ذاتشان به دو دسته ممکن الوجود و واجب الوجود تقسیم می نماییم.
۱۸. چند حالت از حالت های زیر صحیح است؟ اگر ماهیتی را در نظر بگیریم اما آن را در جهان نیابیم، معلوم می شود که:
- (الف) این ماهیت ذاتا نمی تواند موجود شود.
(ب) این ماهیت هنوز از حالت امکانی خارج نشده است.

ج) علتی نیست که بتواند آن را به وجود بیاورد.

هر سه حالت می تواند صحیح باشد، زیرا اگر چیزی را در ذهن خودمان بیاوریم و در نظر بگیریم، اما در خارج آن را نیابیم، می تواند بدان جهت باشد که ذاتا ممتنع الوجود است، مانند شریک خداوند. همچنین می تواند بدات جهت باشد که علت آن پیدا نشده تا آن را از حالت امکان خارج کند و موجود نماید.

سوالات جای خالی

۱. در رابطه..... محمول حتما هست؛ در رابطه محمول حتما نیست؛ و در رابطه..... محمول می تواند باشد می تواند نباشد.
۲. همه ماهیاتی که موجودند، به واسطه عاملی دیگر واجب الوجود شده اند؛ به عبارت دیگر واجب الوجود..... اند.
۳. موجودات جهان بر حسب ذات خود «ممکن الوجودند» اما از این حیث که اکنون موجودند اند.
۴. در قضیه «عدد چهار زوج است»، رابطه میان موضوع و محمول..... است.
۵. موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه حتمی دارد «.....» گویند.
۶. موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه احتمالی دارد «.....» گویند.
۷. موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه محال دارد «.....» گویند.
۸. در قضیه «دیوار خانه ما سفید است»، رابطه میان موضوع و محمول..... است.
۹. واجب الوجود آن است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت از ناحیه خودش است.
۱۰. موجودات عالم را از آن جهت که موجودند به دو دسته واجب الوجود و واجب الوجود تقسیم می کنیم.
۱۱. در قضیه «عدد هشت فرد است»، رابطه میان موضوع و محمول..... است.
۱۲. هر گاه شی ممکن الوجود موجود شود، رابطه موضوع با «محمول وجود»، رابطه خواهد بود.

سوالات صحیح و غلط

۱. اگر دیوار خانه ما سفید شد، معلوم می شود که حالت امکانی از بین رفته و رابطه «ضرورت» برقرار شده است
۲. موجودات جهان بر حسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، واجب الوجود بالذات اند.
۳. واجب الوجود بالذات، همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است یعنی از ناحیه یک امر درونی.
۴. اگر ماهیتی را در نظر بگیریم اما آن را در جهان نیابیم معلوم می شود که این ماهیت ذاتاً نمی تواند موجود شود.
۵. اگر ماهیتی را در نظر بگیریم اما آن را در جهان نیابیم معلوم می شود که علتی نیست که بتواند آن را به وجود بیاورد.
۶. اگر ماهیتی را در نظر بگیریم اما آن را در جهان نیابیم معلوم می شود که این ماهیت هنوز از حالت امکانی خارج نشده است.
۷. موجوداتی که در ماهیت و ذات خود ممکن الوجود هستند با نبودن علت، «وجود» برایشان ضروری می شود